

رندگی علم و ورزشی



دستی فراز تورها

اسماعیل احمدی سولقانی

سرشناسه: احمدی سولقانی، اسماعیل، ۱۳۲۸-
 عنوان و نام پدیدآور: دستی فراز تورها/اسماعیل احمدی سولقانی.
 مشخصات نشر: بندرعباس: سمت روشن کلمه، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۵۶ ص.: مصور.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۹۲-۴۱-۶
 وضعیت فهرست نویسی: فیفا
 یادداشت: بالای عنوان: زندگی نامه ورزشی.
 عنوان دیگر: زندگی نامه ورزشی.
 موضوع: احمدی سولقانی، اسماعیل، ۱۳۲۸-
 موضوع: والیبالیست ها - ایران - میناب - سرگذشتنامه
 Volleyball players - Iran - Minab - Biography
 ورزشکاران - ایران - میناب - سرگذشتنامه
 Athletes - Iran - Minab - Biography
 رده بندی کنگره: ۷۹/۱۵/۲۶
 رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۲۵۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۵۲۶۱۵
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا



عنوان کتاب: دستی فراز تورها
 نویسنده: اسماعیل احمدی سولقانی
 ناشر: سمت روشن کلمه
 مدیر مسئول: پیام شهرجو
 مدیر اجرایی: هانا رازی
 ویراستار: فریبرز عابدی
 صفحه آرائی: طاهره پورهایمی
 آماده سازی عکس ها: مریم احمدی
 طراحی جلد: معصومه احمدی
 نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۰
 چاپ و صحافی: گاندی
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۵۰ / ۰۰۰ تومان

بندرعباس، چهارراه فاطمیه، خیابان شریعتی شمالی، کوچه جاودان ۴
 پشت کلینیک دندانپزشکی مهرگان، ساختمان پارسا، طبقه دوم

۰۷۶ ۳۲ ۲۱۰ ۵۱۷ ۰۹۱۷ ۳۶۵۵۰ ۷۰۰

○ Samtroshan@gmail.com ○
 ○ instagram.com/samt_roshan ○
 ○ www.samteroshan.com ○

حق چاپ محفوظ است

فهرست

سخن نگارنده	۷
در گذرگاه زمان/ دوران کودکی تا پایان ابتدایی	۱۱
ماجرای وسایل نقلیه	۴۷
ورود به دبیرستان (سیکل اول و دوم)	۵۱
دوران خدمت سربازی	۶۹
آغاز اشتغال	۷۴
از آشنایی تا نامزدی و ازدواج و سپس فوت همسر	۷۷
خرید خودروها	۸۳
آشنایی با بزرگان و ناموران هنری و ورزشی	۸۶
بیماری و فوت پدر و مادر	۹۷
تجربیات ورزشی	۱۰۱
عکاسی از لحظات ورزشی	۱۲۸
مصاحبه‌های ورزشی	۱۳۰
عکس‌ها	۱۳۶

سخن نگارنده

میناب، شهری کوچک در جنوب ایران و شمال خاوری تنگه هرمز.

۱. یکی از شهرستان‌های شرقی استان هرمزگان در جنوب ایران است. میناب دومین شهر بزرگ هرمزگان و سرزمینی جلگه‌ای است که به علت داشتن منابع آب شرب به ویژه رودخانه‌ی میناب، یکی از قطب‌های کشاورزی هرمزگان است و از قدیم «گلستان جنوب» هم خوانده می‌شد. جلگه‌ی میناب بیش از ۱۰۰ هزار سال قدمت دارد. در بعضی از اسناد تاریخی، این شهر بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت دارد. میناب به نام‌های مینو - مینا - هرمز قدیم یا هارموز - آرموز - آنامیس نامیده می‌شد.

در دوره‌ی هخامنشیان آن را به نام اورگانا می‌شناختند که دارای آب فراوان و رودخانه‌ای پر آب و شیرین بوده و هست. از نظر تقسیمات کشوری، در سال ۱۳۱۰ از بخش به شهر و در ۱۳۳۴ به شهرستان ارتقا پیدا کرد.

میناب در کنار رودخانه‌ی آنامیس (آرامیس) واقع بوده است که به وسیله‌ی خوری به دریا وصل می‌شد. نزدیک‌ترینش خور تیاب بوده است. صدها کشتی از سراسر دنیا به خصوص هند و چین و سپس آمریکا در بندر هرمز مشغول تخلیه‌ی محموله‌های تجاری خود بودند و بادبان‌ها را برکشیده و منتظر باد مناسب بودند تا راهی مقصد شوند. مارکوپولو جهانگرد ونیزی وقتی برای اولین بار به هرمز قدیم (میناب امروزی) رسید، از آبادی و رونق تجارت این شهر شگفت زده شد و در سفرنامه‌ی خویش نوشته بود: «اگر دنیا انگشتی باشد، میناب نگین آن است.»

کشف آثار باستانی و اشیاء قدیمی از اطراف رودخانه‌ی میناب خبر از وجود تمدنی چند هزار ساله در این منطقه می‌دهد.

به علت وجود نخلستان‌های وسیع در منطقه‌ی میناب، این شهر را به منطقه‌ی

شهری که با تمام محدودیت‌های زیستی و عدم امکانات کافی برای ارتقای علمی و فرهنگی، شاهد رشد و پرورش بسیاری از افراد مستعد و با همت در رشته‌ها و فنون و علوم مختلف و تلاش‌های ممتد آنان برای پیشرفت خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، بوده است.

در طول تاریخ حیات میناب، از روستاهای این شهر نیز مردان و زنان با همت و تلاشگر و توانا، قد برافراشتند و نامی شدند در عرصه‌های مختلف جامعه تا بیاموزند که محدودیت‌ها نیز هرچند برخاستن استعدادها و شکوفایی آنان را به تعویق یا کندی می‌اندازد، اما برای آنانی که تلاش و همت می‌کنند، چندان مانعی برای رشد و به ثمر نشستن استعدادهایشان نخواهد بود. بدیهی است اگر بدین افراد از سوی والیان و اداره‌کنندگان جامعه و کشور، توجه و عنایتی

مُغستان (نخلستان) نیز می‌نامیدند. مارکوپولو در نوشته هایش از بندر هرمز و منطقه‌ی مُغستان، به عنوان منطقه‌ای آباد و سرسبز و با بازارهای پر رونق در شمال خلیج فارس یاد می‌کند.

پنجشنبه بازار میناب با قدمت بسیار زیاد، هنوز هم یکی از بازارهای مهم محلی است که از دوران گذشته به جا مانده. حافظ در بیتی با اشاره به این ناحیه چنین سروده است:

شاه هرموزم دید و بی سخن صد لطف کرد

شاه یزدم دید و مدحش گفتم و هیچ نداد

افسانه‌های محلی، بنای شهر میناب را به دو خواهر و برخی به هفت خواهر نسبت می‌دهند که در این منطقه حکومت می‌کردند و در ابتدا نیز آن را پایتختی نامیده‌اند. این هفت خواهر به نام‌های:

بی‌بی مینو، بی‌بی نازنین، بی‌بی گل، بی‌بی مریم، بی‌بی شهناز، بی‌بی نرگس و بی‌بی ذرملک شناخته می‌شوند، که دو خواهر نخست در باور بیش‌تر عموم، بانی اصلی این شهر بوده‌اند.

اسامی برخی اماکن یا مناطق حاکی از باور به همین موضوع است. به طور مثال: دژ ویران شده از دوران بسیار قدیم در بالای شهر وجود دارد که بدان دژ یا قلعه‌ی بی‌بی مینو و به عبارتی دژ هزاره نیز می‌گویند.

روستایی به نام بی‌بی نازنین (به اختصار محلی، بی نازنین) هم در میان روستاهای میناب وجود دارد.

ثنبی نیز به نام یکی از آنان «ثنب بانو» و به اختصار محلی «ثنبانو» نامگذاری شده است. برخی از تاریخ نویسان بنای این شهر را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهند. توی کشته‌های میناب (کشتزارها) گندم، جو، ارزن، ذرت و کمی ماش و عدس و پیاز و تنباکو بوده و حتی مقداری نیل و پنبه کشت می‌شد.

درخور می‌شد و بشود و هرکدام را در مسیر توانمندی‌هایشان، آن چنان که لازم و بایسته و شایسته است یاری می‌رساندند، بی‌شک شهرت و افتخارات بیش‌تری را برای خود و ایرانیان رقم می‌زدند و می‌توانستند در پیشرفت‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و غیره برای جامعه بسیار سودمند باشند.

من، در این میان جزئی بودم که زیستم و تا بدین سن رسیدم، با وجود محدودیت‌های فراوان، بر شکوفایی استعدادهای خویش کوشیدم و هرآن‌چه آموختم و بدان‌ها بارور شدم، با تمام وجود به دیگران نیز آموزش دادم و تا در توان داشتم و دارم دست نکشیدم و نخواهم کشید.

نگارش زیر، خلاصه‌ای از زندگی کودکی تاکنون و سال‌های فعالیت ورزشی من است که امید دارم مورد استفاده‌ی علاقمندان قرار بگیرد.

در ضمن، در پایان کتاب تعدادی از تصاویر به‌جامانده و خاطره‌انگیز را نیز به منظور ارتباط بهتر خوانندگان و یادآوری‌های شاد و غم‌انگیز تاریخی (نوستالوژی) قرار داده‌ام که با وجود مشکلات فراوان و امکانات بسیار محدود آن زمان، احساس دلتنگی از دست رفتن آن دوران خوش و لبریز از عواطف انسانی، را نمی‌توان از ذهن و وجود خارج کرد.

اسماعیل احمدی سولقانی

شهریورماه ۱۴۰۰ هجری شمسی